

بادام-آدم-آمد-داد-اسب-سبد-سام-سود-دود-بود-بودم-آدم-تاب-دست-دوست-

ماست-توت-است-بست

مادر-ابرو-درس-سرما-آرام-سارا-برادر-رود-ابر-سرد-دارد-نان-نم-نم-باران-
آسمان-

انار-من-آن-سیب-بیدار-ایران-آبی-سینی-بیداری-ایرانی-امیر-ایستاد-بر می دارد-
سرباز-زمین-زیبا-

آزاد-زنبور-سوزن-میز-ترازو-از-زرد-سبز-سرسبز-زری-سبزی-دیروز-زود-زبان-زد-
می دوزد-می سازد-امام-ساده-دانه-مداد-نرده-مدرسه-ایران ما-انسان-مداد امین-سبد
توت-نامه ای-

ستاره ای-دانه ای-دبستان-آزاده-تازه-ستاره-شب-آش-شیر-تراش-شانه-آتش-شور-
رشته-شیرین-ماشین-

مادرش-شانه ای-آرش-تراش آرش-آش رشته-سیب شیرین-آب شور-ماشین تمیز-
نشان
خردمند

کلمات مهم کتاب نگارش

مادر آرام آمد.

امیر میز می سازد .

او ستاره را به مادرش نشان داد.

سارا برادر دارد .

بابا تاب بست .

شب بود .امین ستاره ای را در آسمان دید .

باد آمد . ابر آمد .

زری انار را از زمین بر می دارد.

رود آب دارد.

مادر با سوزن دامن می دوزد .

من انار دارم .

من انار در دست دارم .

باران نم نم آمد .

مادر در دست نان دارد .

در سبد انار است .

ایرانی سر سبز است .

مادر با سارا آمد .

ما ایران را دوست داریم.

سارا توت دارد .

آن مرد نان دارد .

آدم دندان دارد.

ایران آزاد است .

من درس دارم .

او دست داد.

خردمند

جملات مهم کتاب نگارش

مدادِ امین

آشِ رشته

ستاره ای

نامه ای

سبدِ توت

سیبِ شیرین

شانه ای

تازه ای

ای مسافر

ماشینِ تمیز

آبِ شور

بر می دارد

می دوزد

ایرانِ ما

تراشِ آرش

می سازد

خردمند

دوستی

می کاری